



امامت و ولایت از دیدگاه حکیم نزاری

علی ابراهیمی^۱

زهره بهروزی فر^۲

چکیده

مقاله حاضر اصل امامت و ولایت را که به کرار در اشعار نزاری به آن اشاره شده را بررسی می کند. برخی ابیات او درباره شیعه این شک را ایجاد می کند که میل به بقا در شرایط آن زمان، او را به این شیوه رهنمون شده. اما بنا به سروده هایش، پدر چشم های او را بر شناخت امامت گشود و به بهشت و دوزخ رهنمونش شد. او جز علی خلیفه بلافصل پیامبر را شایسته امامت و ولایت نمی دانست و بر این باور بود که زندگی در دنیا و گذشتن از طوفان جهل جز با تمسک به آل مصطفی مقدور نیست. نزاری در اشعارش، تنها راه رستگاری، پیشرفت در کار و بخشش گناه را آل عبا می داند و بر این تأکید دارد که دل داده علی هر سختی را می پذیرد و در اعتقاد خود ترسی به دل راه نمی دهد. نزاری خود را شیعه جعفری و پیرو ابو تراب دانسته، ذوق و هنرش را مدیون لطف آل رسول می داند. اینکه او در اشعارش به مدح خلفای اسماعیلی نپرداخته، خود دلیلی بر عدم تمسک او بر فرقه اسماعیلی است. کما اینکه گفته های محلی درباره جسدش شیعه بودن او را تقویت می نماید. با همه این ها طبق گفته خودش هیچ کس او را به خوبی نشناخته است.

کلید واژه: حکیم نزاری، اعتقادات، امامت، ولایت

مقدمه

۱- معرفی مسئله تحقیق.

توجه به مقوله فرهنگ از همان گذشته های دور، مورد توجه اندیشمندان قرار داشته و ارزش والایی برای آن قایل بوده اند، به همین علت با نگرش های متفاوت بر این مبحث مهم، تعاریف متفاوتی هم برای آن ارائه شده که خود حکایت از اهمیت و جایگاه آن دارد. از طرفی در کنار مباحث فرهنگی، مفاخر و دانشمندان هم به واسطه تأثیرات فراوانی که بر مردم و شیوه های زندگی آنان در هر دوره داشته اند، عجیب مورد توجه بوده اند. آن چه مدنظر این نوشته می باشد، دو قرن هفتم و هشتم و روزگار بعد از هجوم مغولان به ایران و به ویژه خطه

Ebrahimi.ali30@yahoo.com

۱. کارشناس ارشد تاریخ

۲. دانشجوی رشته روابط عمومی



قهستان است که شخصیت های بنامی را در آغوش خود پرورانده، یکی از این افراد، نزاری است که در حوزه های مختلف قلم زده و تراوشات ذهنی و یافته های قلبی خود را به رشته تحریر درآورده است. آنچه در این بیشمار داشته های این حکیم فرزانه، هدف مقاله حاضر می باشد، نگرش و نوشته های او در رابطه با امامت و ولایت است، بحثی که از نگاه بیشتر فرق مذهبی دور نمانده و مورد تجزیه و تحلیل هم قرار گرفته است. با توجه به محیط و فضایی که حکیم در آن می زیسته، فضای مذهبی حاکم بر ایران دوره سلجوقیان و حضور اسماعیلیان در نواحی شرقی، شرایط موجود، می طلبد که اشعار حکیم، رنگ و بویی دیگر گونه داشته باشد، اگر چه حضورش در برهه ای از زمان در دربار حاکم مهربانیان، به روشنی بر اشعارش سایه انداخته است. در ادامه ذکر این مطلب لازم است که پژوهش های قبل بر این - مربوط به حکیم نزاری و سبک و سیاق زندگی و اشعارش - با دیدگاهی همه جانبه نگرانه بر زندگی حکیم رقم خورده است اما در این پژوهش سعی شده تنها یک مبحث از هزارتوی داشته های این بزرگ مرد، تحلیل و واکاوی شود.

۲- پیشینه علمی تحقیق:

آن چه در بررسی منابع حاصل می شود، توجه ویژه ای است که به بحث اعتقادی نزاری می باشد، اما در ارتباط با موضوع حاضر، "دیوان حکیم نزاری قهستانی (جلد ۱ و ۲)، تألیف مظاهر مصفا" و "دیوان تک جلدی، تألیف مظاهر مصفا" از منابع اصلی است، کما این که "دکتر چنگیز غلام علی بایوردی" هم به زندگی و آثار حکیم نزاری پرداخته و شرح مختصری از منابع اطلاعاتی در باره نزاری را بیان نموده یادآوری می کند که "حمدا... مستوفی" نیز در "نزهة القلوب" به این شاعر اشاره دارد، در قرن پانزدهم "کاتبی" شاعر در وصف تعلقات مذهبی نزاری و توجهش به امامت سخن گفته: «...به سبب امامی بودن تا پایان عمر در رنج بوده است...» (بایوردی، ۱۳۷۰: ۳۳).

در باب اعتقادات او "خواندمیر" در "روضه الصفا" و "دولت شاه" در "تذکره الشعراء" اشاراتی دارند و در "حبیب السیر" هم نظرات "خواندمیر" تکرار می شوند. (خواندمیر، ۱۳۳۴: ۴۵۷) نویسنده "سلم السموات" نزاری را در ردیف صوفیان قرار داده (بایوردی، ۱۳۷۰: ۳۶) به نقل از کازرونی و "حاجی خلیفه" در "کشف الظنون"، دستور نامه نزاری را در بخش فلسفی کتاب خود جای می دهد و "عبدالرحمن سیرت" مؤلف "کنوز الاعظم"، مجهولاتی در مورد نزاری بیان می نماید.

"تاریخ حسامی" و "تاریخ بهارستان" نیز به نزاری پرداخته اند. (بهارستان، ۱۳۳۷: ۲۰۱) و "رضا قلی خان هدایت" هم در "مجمع الفصحا" نزاری را پیرو نزار اسماعیلی می داند (رضا قلی خان هدایت، ۱۳۹۵: ۶۰۷) و همینطور مؤلف "بیرجند نامه" نیز نزاری را به طور کلی معرفی کرده و "زهرا علیزاده بیرجندی" نیز هشت صفحه از کتاب "تاریخ برگزیدگان و مشاهیر بیرجند" را به او اختصاص داده ولی در مورد نگاه نزاری به امامت و ولایت اشاره ای نداشته است.



در وب سایت های اینترنتی نیز افرادی چون "دکتر رضایی" در "وبلاگ اولالباب" در مورد دیدگاه های اعتقادی نزاری صحبت نموده و "بهرروز صاحب اختیاری" در مطلبی در روز نامه اطلاعات تحت عنوان "تأملی در سفرنامه حکیم نزاری قهستانی" در کنار زندگینامه، احوال و آرای نزاری، مختصری هم به اعتقادات او اشاره کرده، "حسینی حسنیار شغنانی" نیز در سلسله مقالاتی تحت عنوان "مبانی مذهب اسماعیلی" به اعتقادات نزاری توجه نموده است.

انچه مورد نظر این تحقیق است، مبحث اعتقادی حکیم نزاری، به ویژه توجه او به امامت و ولایت می باشد که در منابع مختلف در لابلاهای دیگر مطالب، به آن اندکی اشاره شده است و خیلی ها هم ساده فقط به ذکر اسماعیلی بودن یا صوفی بودن نزاری بسنده کرده و از کنار آن گذشته اند. برخی هم مانند "دکتر نصرالله پور جوادی" در مقدمه مثنوی روزوشب نزاری بر شیعه دوازده امامی بودن او در پایان عمر تأکید دارد و همچنین "شیخ مرتضی آیتی" نیز او را شیعه امامی دانسته، مقاله حاضر هم این اصل را به عنوان نقطه کانونی اصلی برگزیده و به بررسی موضوع می پردازد.

معرفی روش پژوهش:

روش پژوهش توصیفی-تحلیلی است و منابع مورد بررسی هم در ارتباط با حکیم نزاری با تأکید اصلی بر دیوان حکیم نزاری می باشد. هر چند دستیابی به دیوان حکیم، کار راحتی نبود و با چندین بار مراجعه به کتابخانه های عمومی سطح شهر بیرجند و چک کردن سایت کتابخانه های عمومی کشور هم مقدور نشد اما سرانجام نسخه تک جلدی موجود در "روز نامه آوای خراسان جنوبی" و نسخه دو جلدی کتابخانه "صدا و سیمای خراسان جنوبی" مورد بررسی قرار گرفت.

اهمیت امامت و ولایت:

برای واژه امامت در "فرهنگ لغت دهخدا" معانی پیشوایی کردن، پیشوا، امام بودن و ریاست عامه آمده و در "فرهنگ لغت عمید و معین" هم معانی پیش نمازی، رهبری و پیشوایی برای آن به کار رفته است. اما؛ امامت: به معنی ریاست در امور دین و دنیا و مرجعیت در اجرائیات اسلام و تعلیمات آن مورد اتفاق مسلمانان است و از روز وفات پیغمبر اسلام این مطلب مسلم بوده که جامعه اسلامی بدون رهبر نمی تواند بماند. همه مسلمانان در این اصل متفق بوده و اختلاف شان در شخصیت صالح برای این کار بود (کلینی، ۱۳۷۵: ۶۸۹).

امامت از اصول دین بوده در زمره فروع دین قرار نمی گیرد. براساس آیه اکمال (مائده/۳) اکمال دین، اتمام نعمت و پسند اسلام به عنوان دین اولی با انتصاب امیرالمؤمنین (ع) به امامت و جانشینی پیامبر (ص) حاصل



شد. دین اسلام بر پنج پایه استوار است که با ولایت به عنوان آخرین فریضه الهی کامل شده و معرفت امام واجب و قبول ولایت امام (ع) شرط صحّت اعمال است و بدون آن هیچ عملی قبول نمی‌شود .
 ولایت واژه ای عربی است که از کلمه «وَلِيٌّ» گرفته شده، به معنای آمدن چیزی است در پی چیزی دیگر؛ بدون آن که فاصله ای میان آن دو باشد که لازمه چنین ترتیبی، قرب و نزدیکی آن دو به یکدیگر است. از این رو، این واژه با هیئت های مختلف (به فتح و کسر) در معانی «حَبِّ و دوستی»، «نصرت و یاری»، «متابعت و پیروی»، و «سرپرستی» استعمال شده که وجه مشترک همه این معانی همان قرب معنوی است. (مفردات القرآن، راغب اصفهانی، ماده ولی).

در فرهنگ فارسی معین، برای لفظ (ولی) معانی متعددی از قبیل دوست، یار، صاحب، حافظ، آن که از جانب کسی در کاری تولیت دارد و برای (ولایت) معنی حکومت کردن بیان شده است.
 واژه ولایت از پراستعمال ترین واژه های قرآن کریم است که به صور مختلف به کار رفته؛ می گویند در ۱۲۴ مورد به صورت اسم و ۱۱۲ مورد در قالب فعل در قرآن کریم آمده است.

"راغب اصفهانی" راجع به کلمه (ولایت) از نظر موارد استعمال می گوید: «ولایت، به معنی نصرت است، و اما ولایت به معنی تصدی و صاحب اختیاری یک کار است. و گفته شده که معنی هر دو یکی است...» (مرتضی مطهری، ...: ۲۵۵ و ۲۵۶).

امامت و ولایت در اسلام از پایه های اصلی اعتقادی و زیربنای زندگی سیاسی، اجتماعی و فرهنگی انسان به شمار می آید. مسلمانان با مذاهب مختلف در ضرورت امامت و رهبری اتفاق نظر دارند اما ولایت در باور شیعه از جایگاه بلندتر و رفیع تری برخوردار است تا جایی که از نماز، روزه، حج و جهاد نیز برتر و بالاتر می باشد. امام باقر (ع) در این باره می فرماید: «بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسَةِ أَشْيَاءَ: عَلَى الصَّلَاةِ، وَالزَّكَاةِ، وَالْحَجِّ، وَالصَّوْمِ، وَالْوَلَايَةِ، وَ لَمْ يُنَادَ بِشَيْءٍ مِثْلَ مَا نُودِيَ لِلْوَلَايَةِ (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۳).
 ولایت در برخی روایات مساوی با دین حق خوانده شده و به گونه ای است که اگر ولایت نباشد گویا که دین باقی نمی ماند. در تفسیر نورالثقلین آمده: «أَمَرَ رَسُولُهُ بِالْوَلَايَةِ لِوَصِيَّتِهِ وَالْوَلَايَةُ هِيَ دِينُ الْحَقِّ، خَدَّوْنِدِ رَسُولِهِ رَأَى بِرِ ابْلَاغِ الْوَلَايَةِ لِوَصِيِّهِ بِرِ ابْلَاغِ دِينِ الْحَقِّ» (نورالثقلین، ۱۴۱۵: ۳۱۷).
 ؛ تفسیر شریف لاهیجی، ۱۳۷۳: ۲۰۷)

در روایات معصومین (ولایت) بهترین اعمال امت پیامبر (ص) دانسته شده، کما اینکه از امام صادق (ع) درباره معنای (حَى عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ) سؤال شد، فرمود: «خَيْرُ الْعَمَلِ الْوَلَايَةُ وَ فِي خَيْرِ آخِرِ الْعَمَلِ بِرُ فَاطِمَةَ وَ وُلْدَهَا (ع) (فلاح السائل و نجاح المسائل، ۱۴۰۶: ۱۴۸)



این روایات و آیات و احادیث دیگر، علاوه بر جایگاه ولایت و امامت بر اهمیت والی و امام نیز دلالتی آشکار دارد. از این رو شیعه معتقد است امامان (ع) از جانب خدا تعیین و به وسیله رسول خدا (ص) به عنوان جانشین پیامبر (ص) و زمامداری دین و دنیای مردم معرفی می گردند. امام کاظم (ع) در این باره به (ابوعماره) می فرماید: ای اباعماره، اگر اختیار تعیین امام به دست من بود قاسم را برمی گزیدم؛ زیرا او را بیشتر دوست می دارم و مورد مهر و محبت قرار می دهم، اما انتخاب امام به دست خداوند است و هر جا بخواهد قرار می دهد. (مجلسی، ۱۴۰۳، ق: ۲۶)

شیعه، امامان معصوم (ع) را دارای شایستگی های خاصی می شناسد و آنان را از هرگونه رجس و پلیدی و خطا، پاک و پاکیزه می داند. خداوند در قرآن مجید می فرماید: *أَمَّا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا.* (سوره احزاب، آیه ۳۳) خداوند فقط می خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد.

همچنین خداوند، آنان را از علم و دانش سرشار بهره مند ساخته و آنان از گذشته و آینده آگاهی دارند. از این روست که امامت امت و رهبری مردم را به آنان سپرده تا انسان ها را به صراط مستقیم رهنمون گردند. علی (ع) پس از انتقال خلافت به آن بزرگوار درباره نقش ارزشمند ائمه هدی فرمود: *قَدْ طَلَعَ طَالِعٌ وَوَلَمَعَ لَامِعٌ، وَوَلَّاحَ لَائِحٌ وَاعْتَدَلَ مَائِلٌ. وَاسْتَبَدَلَ اللَّهُ بِقَوْمٍ قَوْمًا، وَبِيَوْمٍ يَوْمًا. وَانْتَظَرْنَا الْغَيْرَ انْتِظَارَ الْمُجْتَدِبِ الْمَطْرَ. وَإِنَّمَا الْأُمَّةُ قَوْمٌ اللَّهُ عَلَى خَلْقِهِ، وَغُرْفَاؤُهُ عَلَى عِبَادِهِ، لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ عَرَفَهُمْ وَعَرَفَوْهُ، وَلَا يَدْخُلُ النَّارَ إِلَّا مَنْ أَنْكَرَهُمْ وَأَنْكَرُوهُ.* (نهج البلاغه، ۱۳۷۵، ش: ۴۸۶، خطبه ۱۵۲)

خورشید - طلوع کننده امامت - برآمد. و ماه درخشنده ولایت - پرتو افکند، و کوب - عدالت - به در آمد. و ناراست راست گردید، و خدا مردمی را به جای مردمی دیگر گزید، و روزی را به روزی بدل گردانید. چشم می داشتیم بر دگرگون شدن روزگاران، چنان که قحطی زده در انتظار باران -

همانا امامان از جانب خدا تدبیر کننده کار مردمانند، و کارگزاران بندگانند. کسی به بهشت نرود جز آن که آنان را شناخته باشد، و آنان او را شناخته باشند؛ و به دوزخ در نشود جز آنکه منکر آنان بود، و آنان وی را نپذیرفته باشند، و محرم نساخته. (نهج البلاغه، ۱۳۷۸، ش: ۱۴۹ - ۱۵۰).

با توجه به روایات فوق، ولایت و امامت را نمی توان باور یا حکمی جداگانه از احکام دینی دانست، بلکه باید گفت تمامی دین به منزله جسم و ولایت همان روح آن است. دین بی ولایت دین نیست و انسان بی ولایت را نمی توان مسلمان واقعی دانست. بر این اساس است که رسول خدا (ص) فرمود: *مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةَ الْجَاهِلِيَّةِ* هر کس که امام زمان خویش را نشناسد و بمیرد، به مرگ جاهلی از دنیا رفته است (الذخیره فی علم الکلام، ۱۴۱۱، ش: ۴۹).



امام‌شناسی یک از اصول کلیه تعلیمات اسلام و مایه سعادت و ادامه حقائق دین است. امام‌شناسی بر مسلمانان واجب است، یعنی کسانی که به اصول سه‌گانه اسلامی توحید، نبوت و معاد معتقدند و به فروع کلیه اسلام از نماز و روزه و حج و جهاد ... ملتزمند در این صورت برای اجرای صحیح احکام اسلامی باید امام و رهبر به حقی را بشناسند و بنابراین انکار امام بر حق، موجب کفر و خروج از اسلام نیست. کلینی می‌فرماید: معرفت امام یک توفیق الهی است که شامل مردم سالم و پاک فطرت می‌شود چنانچه عقیده به پیشوایان مخالفان، یک پیروی شیطانی است که بر اثر فساد مزاج دینی در افرادی به وجود می‌آید (أصول الکافی، ۱۳۷۵: ۶۸۹).

واژه امام هفت بار به صورت مفرد و پنج بار به صورت جمع (ائمه) در قرآن به معنی نشانه، اشاره، نمونه و رهبر آمده است. (حلبی، ۱۳۹۰: ۴۹) و در زندگی روز مره مردم به سه صورت به کار می‌رود:

- ۱- امام به معنی پیش نماز، هر مسلمانی که دانا باشد و پارسیان به جای امام از پیش نماز استفاده می‌کردند.
- ۲- اهل سنت واژه امام را برای راهنمایان امت و علمای بنیانگذار مذاهب خود به کار می‌برند.
- ۳- ریشه مفهوم امامت که در آن، همه فرق شیعه متفقند این است که تنها اولاد علی بن ابیطالب (ع) می‌توانند به امامت برسند.

۴- در عقیده فرقه اثنی عشر و اسماعیلی، اصطلاح امام غالباً مترادف با واژه خلیفه آمده و آن را در مورد خلفای راشدین، بنی امیه و بنی عباس اطلاق می‌کنند با این تفاوت که آنان را امامان کاذب می‌خوانند اما امام بر حق را مرجعی الهی تلقی می‌کنند که هدفش ادامه یافتن رسالت پیامبر است. بنابراین در یک زمان، فقط یک امام از فرزندان بلافضل حضرت علی (ع) و پیامبر اکرم (ص) از طریق فاطمه (س) می‌تواند وجود داشته باشد که او جانشین بر حق علی (ع) است، مرجعیت او می‌تواند توارثی باشد و او دارای صاحب حق مطلق از برای حکومت دنیوی و مرجع والای دینی است.

بزرگترین اختلافی که بر سر مسائل دینی بین مسلمین بروز کرده مسئله امامت یعنی جانشینی حضرت رسول (ص) است چه، به اندازه ای که مسلمین در این خصوص با زبان و قلم و شمشیر با یکدیگر مناظره و مجادله و کشمکش کرده و جهد به خرج داده اند در هیچ یک از موارد دیگر از ایشان تا این حد اختلاف و نزاع دیده نشده و علت این امر این است که مسئله امامت بیشتر جنبه سیاسی داشته و با پیشرفت عقیده یک فرقه یا فرقه دیگر زمام اداره امور دنیوی مسلمین نیز مثل امور دینی ایشان در کف پیشوای فرقه غالب قرار می‌گرفته است و این اختلاف که از زمان رحلت حضرت رسول (ص) بروز کرد، همه وقت بین مسلمین باقی بوده و همچنان هست.

در باب اینکه چه کسانی استحقاق مقام امامت دارند و امام به چه ترتیب باید تعیین شود و اینکه آیا امام واجب است یا نه و برای یک برهه از زمان، وجود فقط یک امام کافی است یا ائمه متعدد؟ بین فرق مختلف



اسلامی اختلاف است. عموم فرق اسلامی به جز یک فرقه از خوارج و دو تن از رؤسای معتزله، امامت را واجب می دانستند. "فرقه نجدات" از خوارج می گفتند؛ اصلاً امامت واجب نیست، مردم خود باید بر سبیل حق و به حکم قرآن با یکدیگر معامله کنند. "ابوبکر اصم" از قدمای معتزله می گفت؛ در مواقعی که عدل و انصاف بین مردم حاکم است به وجود امام احتیاجی نیست فقط وقتی که ظلم بروز کند امامت واجب می شود. "هشام فوطی" یکی دیگر از معتزله بر خلاف وی عقیده داشت که امامت در موقع حکومت عدل در بین مردم واجب است تا امام شرایع الهی را اظهار کند و در موقع ظهور ظلم ممکن است ظلم کنندگان از او اطاعت نکنند و وجود او موجب مزید فتنه شود. عقیده "علمای امامیه" این است که هرچه بر وجوب نبوت دلالت دارد بر وجوب امامت نیز دال است، چه، امامت قائم مقام نبوت می باشد مگر در تلقی وحی الهی بلاواسطه، و امامت لطف عام است و نبوت لطف خاص. چه، ممکن است روزگار از پیغمبری زنده خالی بماند در صورتی که خالی ماندن آن از امام امکان ندارد و به همین نظر است که فرقه امامیه بحث امامت را از فروع و توابع بحث نبوت و از اعظم ارکان دین می شمارند و ایمان را بدون عقیده به امامت پایدار نمی دانند و کسی را مطلقاً مؤمن می گویند که به عقیده امامیه باشد. در صورتی که فرق دیگر امامی، آن را در عداد فروع دین به شمار می آورند و متکلمین اهل سنت فقط برای رد عقاید شیعه در این باب بحث را در علم کلام خود داخل کرده اند.

حال با توجه به اینکه در باور عده زیادی حکیم نزاری، اسماعیلی مذهب است لذا در مقاله حاضر، ابتدا به پیدایش اسماعیلیه اشاره شده سپس به بیان اعتقادات اسماعیلیه در باره امامت و ولایت و شخص حکیم نزاری می پردازیم:

پیدایش اسماعیلیه و نگاه آنان به امامت:

اسماعیلیه فرقه ای از شیعه اند که امامت را بعد از امام جعفر صادق (ع) به اسماعیل ختم کرده و به اسماعیلیه خاصه مشهور هستند بجز شعبه قرامطه که امامت را به محمد بن اسماعیل می کشند. اسماعیلیان در اوایل تأسیس در قرن دوم (ه.ق) در مبادی و اصول با دیگر فرق شیعه تفاوتی نداشتند جز انتخاب موسی بن جعفر از جانب امام صادق و عزل اسماعیل و حتی شرب خمر را برای امام جایز می دانستند و بداء را قبول نداشتند و در قرن سوم فرزندان اسماعیل (محمد-علی) اسماعیلیه را گسترش دادند. (حلبی، ۱۳۹۰: ۳۴) "مستنصر" خلیفه فاطمی مصر ابتدا پسر بزرگ خویش "نزار" را به جانشینی برگزید و بعد او را عزل کرده "مستعلی" را انتخاب نمود که بعد از مرگ او بین این دو اختلاف افتاد و با کمک "بدرالجمالی" قدرت به "مستعلی" رسید و "نزار" زندانی شد و اسماعیلیه ایران و عراق امامت "نزار" را پذیرفتند و به این ترتیب دولت "خداوندان الموت" تشکیل



شد و امامان آنان ادامه دارد و علمای اهل سنت در طعن باطنیه افراط و در نسب فاطمیان طعن کردند و شیعه نیز علاوه بر طعن، نسب آنان را مجهول دانسته و به هر حال نزد عامه مردم منفور هستند. حذف شود و در هر صورت جدا از قتل و غارت های آنان در اشعار بسیاری از دانشمندان این فرقه تمسک به محبت اهل بیت و توجه به زهد و پارسایی به چشم می خورد (حلبی، ۱۳۹۰: ۳۵). شیعه امامی و اسماعیلی به تداوم امامت اعتقاد دارند و امام در پرتو وحی به وظایف خود می پردازد و واز نگاه اسماعیلیه هر پیامبر امامی دارد که حقیقت را با او در میان می گذارد و پیامبر ناطق و امام صامت است و هر چند وحی فقط با پیامبر است ولی امام آن را تفسیر و تقویت می کند و در دوره فاطمیان علی (ع) مقام اساس امامت داشت و برتر از سایر ائمه بود و به نقل "حلبی" اسماعیلیه بیش از هر فرقه شیعی دیگر متمسک به نتایج و لوازم عصمت معتقدند (حلبی، ۱۳۹۰: ۳۷).

همان طور که در بالا گفته شد همه فرق مذهبی جز خوارج یکی دوتن از رؤسای معتزله، امامت را واجب می دانند از نظر اسماعیلیه «امام از فرزندان رسول (ص) باید از بنیان علی بن ابیطالب (ع) و فاطمه زهرا (س) باشد.» (ناصر خسرو، ۱۳۰۳: ۱۳-۱۴).

به نظر "گلدزیهر" امامت در نزد اسماعیلیه، سپری است برای مخرب آنها و نقطه ضعیفی است که اسماعیلیان بر آن تکیه کرده اند (بایبوردی، ۱۳۷۰: ۶۱). اسماعیلیان به دو امام معتقدند امام وقت باید از نسل علی (ع) و فاطمه (س) باشد و منبع رستگاری واقعی، عین ایمان در پیروی از امام وقت است.

رستگاری در امام وقت باشد زین قبل	پس روی امر مردش عین ایمان یافتم
باز دادم هر چه الابعضها من بعض بود	چون امامت مستقر در ذات انسان یافتم
پشت بر بیدای دوران ضلالت کن که من	ره سوی باب علی از نور سلمان یافتم

یادآوری می شد که در بیت دوم مصرع اول در کتاب بقای بعد از مغول به جای مردش، نهیش و در بیت دوم مصرع اول به جای دادم دارم آمده است (نادیه ا. جمال، ۱۳۸۲: ۱۰۸).

مذهب حکیم نزاری:

در مورد مذهب نزاری اختلاف نظر است و در این خصوص افراد مختلفی ابراز وجود کرده اند، از جمله "برتلس" او را اسماعیلی می داند هر چند باید در اشعار او بیشتر کنکاش نمود (بایبوردی، ۱۳۷۰: ۵۳). "ایوانف" صد درصد اسماعیلی می داند (بایبوردی، ۱۳۷۰: ۵۴؛ ایوانف، ۱۹۱۷: ۱۰۵-۱۰۶). "بارادین" پدر حکیم شیعی بوده و امامت را فقط حق مشروع اهل بیت می دانست و به ظواهر مذهبی مقید نبود و حکیم نیز در اشعارش طرفدار آل محمد بود هر چند اختلافاتی با آنها داشت (بارادین، مقاله: ۱۸۵). "دولت شاه سمرقندی" در "تذکره" آورده «بعضی او را موحد و عارف دانسته و بعضی اسماعیلی می دانند» (دولت شاه سمرقندی، بی تا: ۲۳۳). "احمد جلال الدین محمد" صاحب کتاب "مجمل فصیحی" نزاری را اسماعیلی دانسته می آورد نزاری از نسل علاءالدین



ملحد بود و مرید نزار بن مستنصر اسمعیلی بود. ادوارد برون "انگلیسی در کتاب "تاریخ ادبیات" او را اسماعیلی می داند (ادوارد برون،: ۱۶۸). "خواندمیر" نیز در "روضه الصفا" او را جزو پیروان نزار می داند (خواندمیر، ۱۳۸۰: ...). "مجتهد زاده" در مقاله "سعد المله والدین" قید کرده در اینکه حکیم نزاری قهستانی شیعی بوده در خانواده شیعی مذهب تربیت یافته تردیدی نیست. پدرش شیعی بوده و امامت را فقط حق مشروع اهل بیت می داند و او در ضمن غزلیات خویش از پدر سپاسگزاری می نماید.

عمرها باد به سلامت پدرم	که بسی در حق من کرد کرامت پدرم
حق از این بیش که بر پس روی اهل بیت	معتقد کرد باثبات امامت پدرم
صدق در تولیت صادق و ذریت اوست	نیست در رقعہ پیروز و در زنگاری
محبت تو چنان ثابت است در دل من	که اعتقاد نزاری به خاندان علی
دروم چنان پر کن از حب آل	که دیگر ننگجد در آن قیل و قال
گریبان دل بدست عترت و تسلیم کن مطلق	تا موقوف خودی تا در حجاب پیرهن باشی

(مجتهد زاده، ۱۳۴۵: مقاله سعد المله والدین حکیم نزاری قهستانی،: ۱۴)

دلایل بر فرقه اسماعیلی بودن نزاری:

نزاری اگر در اشعارش طرفدار آل محمد بود ولی به رسم اسماعیلی از تأویل قرآن و احکام دینی سخن می گفت.

مابین حق و باطل ضدیتی است مطلق	تیغی به تار موئی آویخته معلق
ای یار یک نصیحت، یارانه بشنو از من	مگرو برای ناقص مشنو حدیث احمق

(بارادین، مقاله: ۱۱)

نزاری به بهشت و دوزخ مانند دیگر مسلمانان اعتقاد نداشت.

آنها که در بدایت فطرت بمرده اند	کی بر کنند روز قیامت سر از قبور
ضایع مکن حیات که آوازه بهشت	آواز خوش بود مثل این ولی ز دور

(بارادین، مقاله،: ۱۲)

اما نویسنده "نگین کویر" هم یادآوری می نماید که او به بعثت و دوزخ اعتقاد داشته چرا که موقع درگذشت فرزندش چنین می گوید.

خداوند بر رفته رحمت کناد	به فردوس اعلاش ماؤا دهاد
--------------------------	--------------------------

(بهنیا، ۱۳۷۹: ۵۴۸)

نزاری مانند اسماعیلیان حس تحقیق و کنجکاوی شدیدی داشت و با علاقه فراوان در آگاهی از دیگر مذاهب سعی وافر نمود.



گروهی گرفته ره فلسفه	گروهی دگر مذهب معتزل
علل جمله هر کس به خود مذهبی	نهادند از یکدیگر منفصل
قومی از عقل و از خرد عاری	فرقه ای که دروغ کهدانی
دشمن آل مصطفی حمله	وانگهی دعوی مسلمانی

(بارادین، مقاله: ۱۲-۱۳)

"نادیه اجمالی" به خاطر استفاده از کلمات ظاهر، باطن، تعلیم و تأویل، قیامت به طور قطع او را نزاری می داند.

دلایل شیعه امامی بودن نزاری:

"شیخ مرتضی آیتی" معتقد است که او بر مذهب حق و شیعه امامی مذهب بوده زیرا در جاهای مختلف به این عقیده مباحثات می نماید.

محبت تو چنان محکم است در دل من که اعتقاد نزاری به خاندان علی

(آیتی، ۱۳۴۴: ۵-۶؛ زنگویی، حسین، ۱۳۸۵: ۶۱۷)

و در جای دیگر حکمت و دانش حکیم را منافی با الحاد می داند. (آیتی، ۱۳۴۴: ۵-۶)

"آیتی" نسبت حکیم نزاری به اسماعیلیه را اشتباهی قطعی می داند و گفته صاحب "روضه الصفا" در انتساب نزاری به این عقیده و تقلید دیگران را از او به شدت رد می کند (آیتی، ۱۳۷۱: ۱۸۰) و همچنین سالم بودن بدن حکیم را بعد از دویست سال دلیل بر امامی بودن او می داند. (آیتی، ۱۳۷۱: ۱۷۹)

نزاری خودش هم نزاری بودن را رد می نماید.

چرا ملحد همی خوانی کسی را کوبه صد برهان ز قرآن و خبر کرده است، اثبات مسلمانی

تو خواهی ملحدم خوان، خواه مشرک اگر نا حق نداند، حق علیم است.

بعض ها هم مانند دکتر "نصرالله پور جوادی" بر شیعه دوازده امامی بودن او تا پایان عمر تأکید دارد.

نزاری در تمام دیوانش هیچ وقت به مدح خلفای اسماعیلی نپرداخته است.

امامت و ولایت از نظر حکیم نزاری:

حکیم نزاری در محبت اهل بیت بی بدیل است، چنانچه می گوید:

محبت تو چنان محکم است در دل من که اعتقاد نزاری به خاندان علی

دروم چنان پر کن از حب آل که دیگر ننگند در آن قیل و قال

(آیتی، ۱۳۷۱: ۱۷۹)

نزاری اول دستور نامه را با نام خدا و اهل بیت آغاز می کند:



قل الحمد لله نزاری کفی

سلام علی عبده المصطفی

(همان: ۱۸۱)

نزاری می گوید که پدرش شمس الدین ابن محمد او را متوجه اصل امامت کرده به او مذهب اهل بیت (ع) را آموخته است:

حق ازین پیش که در پیروی اهل البیت(ع) معتقد کرد به اثبات امامت پدرم

نزاری در مورد حضرت عل (ع) می گوید او جانشین آل محمد، جهان علم و دانش است و در جود و بخشش او به روی خلق همیشه باز است...

ولی آل محمد جهان علم علی که جود اوست در رزق خلق را مفتاح

(مظاهر مصفا، ۱۳۷۱: ۹۶۸: غزل ۳۸۲)

اوتمام معلومات خودرا درخدمت معتقدات خویش گمارده و جز علی بن ابیطالب واولاد او را شایسته امامت و ولایت و واجب الاطاعه نمی دانست. وی ازمدح خاندان عصمت و طهارت چیزی فرو نگذاشت ودرجای جای اشعارش علی بن ابیطالب را خلیفه وجانشین بلا فصل پیغمبر(ص) دانسته وهمواره تا کید نموده است که نورعلی (ع) درعالم تابان ودرخشان است و کسی که انسان است، نور علی(ع) را یکدم ویک لحظه غایب نمی داند.

من عرف نفسه برهاند تورا ز تو	ورنه همه تصور تو عین کثرت است
بشنو که نکته های نزاری معتقد	درگردن قبول و ادای تو حجت است
اسرار در محبت آل است والسلام	بدبخت رابجای محبت عداوت است

نزاری عشق و محبت به اهل مصطفی (ص) و اهل البیت را سرلوحه اعمال خویش قرار داده و پیروی و اطاعت از آل مصطفی(ص) و ولایت را وسیله ای برای گذشتن از طوفان جهل واقیانوس پر تلاطم ناآگاهی همچون سوارشدن بر کشتی نوح می داند. این نوع سخنان در دیوان و دیگر آثارش به وفور دیده می شود:

به آل مصطفی پیوند جستیم	بحق، فرزند بر فرزند جستیم
درونم چنان پرکن از حب آل	که دیگر نگنجد درآن قیل و قال
یارب تو آگهی که محب ولایتیم	روز جزا بقدر محبان دهم ثواب
محبت تو چنان محکم است دردل من	که اعتقاد نزاری به خاندان علی
بسیارچون توگشت به طوفان جهل غرق	کشتی نوح وقت طلب از پی نجات
ولی آل محمد جهان علم علی	که جود اوست در رزق خلق را مفتاح



حکیم نزاری قهستانی را عقیده بر این است که مراد از اولی الامر امام وقت بوده، که خلیفه خدا و جانشین پیامبر اسلام (ص) و حافظ دین و دنیای مردم است. بدین منظور نزاری از احادیث پیامبر بزرگوار اسلام (ص) و ائمه هدی (ع) کمک جسته و اندیشه خویش را بطور واضح و آشکارا بیان می کند. او در ذم تعصب و فساد عقیده اهل باطل و انقطاع ناپذیری ولایت، و ارادت به حضرت دوست یعنی امام وقت، و ملامت و سرزنش ظاهریان می گوید:

ره عاشقان سپردن نه به پای عقل عام است
 همه علمها فرو خوان و بر من آی تامن
 تو به هر عمامه پوشی که قدم نهاد پیشت
 بفروشم آن امامت ز برای نقل مستان
 چه امام تو دو باشد بجواب من چه گوئی
 همه مفتیان عالم بدهند خط فتوی
 همه عاقلان چومرغ اندوطریق عشق دام است
 بنشانمت به حجت که تمام نا تمام است
 پس او در ایستادی به نماز، کاین امام است
 که عمامه بر سر او گرو شراب و جام است
 اگر از تو بازپرسم که امام تو کدام است؟
 که نزاری مخمر بترین خاص و عام است
 نزاری بنا به فرمایش رسول بزرگوار اسلام (ص) که فرمود: لو خلت الارض من امام ساعه لمادت باهلها، نیز سروده است:

نفسی جهان نباشد ز امام وقت خالی
 و نیز به مصداق حدیث نبوی: من مات ولم يعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة والجاهل فی النار، گفته است:

تو اگر امام وقت نشناختی به تحقیق
 به یقین بدان که بر تو سرو مال و زر حرام است
 نزاری قبله ظاهریان را که اقراریت به امام زمان ندارند، کعبه شریف می داند و قبله بندگان با ایمان را بر پیغمبر (ص) و امام (ع) نشان رفته که جایگاه آن قلب مؤ منان است.

همان طور که قبلاً گفتیم معادل واحدی برای کلمه ولایت وجود ندارد، این واژه برای اولین بار در اسلام شیعی بوجود آمد و برای امامانی که از نسل اهل بیت بودند بکار رفت و صوفیان نیز برای بیان مرجعیت و اقتدار مشایخ روحانی خود بکار بردند. (نادیه ا. جمال، ۱۳۸۲: ۱۰۸؛ به نقل از دایره المعارف دین، ج ۱۵، ۳۱۶-۳۲۳) و در نگاه اسماعیلیان نخستین رکن اسلام می باشد (قاضی نعمان، ۱۹۷۴:). و در آثار نزاری موارد زیادی وجود دارد که حکایت از پیروی او از ولایت دارد و به صراحت آن را بیان می نماید که مرجعیت دنیوی و روحانی پیامبر (ص) به ذریه او می رسد و تنها ره رستگاری اطاعت از آنان می باشد.

کلام الله پیش آری و گردی پس رو عترت و گرنه غرقه یی افتاده در گرداب دورانی
 (مظاهر مصفا، ۱۳۷۱: ...)



همچنین نزاری بیان می دارد که اگر چه تمام عمر را به خطا سپری کرده و از هر دری کاری انجام داده است اما اکنون که تصمیم به توبه دارد، تنها امید او به آل عباس است چرا که می گوید:

کنون که دارم بلقیس توبه را در بر چه حاجت است که هدهد خبر دهد زسبا
 توقّعی که به اعمال خیر دارم نیست جز اینکه هست تولّای من به آل عبا

(مظاهر مصفا، ۱۳۷۱: ۴۸۸: غزل ۳)

نزاری ابتدا برای بخشش گناه و نجات به گذشت خداوند امید دارد و می گوید خداوند رحم کن به فضل خود که تعلق ندارد جز رحمت، اگر تو رحم نکردی به آل نبی متوسل می شوم و می گوید:

یا رب به عفو تست امید نجات ما بپذیر عذرو در گذر از سیئات ما
 ارحم به فضل خود که ندارد تعلقی الابّه رحمت توحیات و ممات ما
 گرنه به حبّ آل نبی ممتلی بود نایدبه هیچ کار نفوس و ذوات ما

(مظاهر مصفا، ۱۳۷۱: ۵۴۹: غزل ۵۳)

نزاری می گوید اگر می خواهی در هر کاری پیشرفت و رتبت داشته باشی باید پیرو آل نبی باشی...
 پسرو آل نبی باش که ذرت اوست غایت مقصد و زنهار مگرد از منهاج

(مظاهر مصفا، ۱۳۷۱: ۹۶۰: غزل ۳۷۷: ۱۸۶: ج ۱)

نزاری از اصل وراثت مستقیم امامان شیعی از پیامبر(ص) دفاع نموده یادآوری می کند که امامت نسل اندر نسل است و آیات ۳۳-۳۴ سوره آل عمران (إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَ نُوحًا وَ آلَ إِبْرَاهِيمَ وَ آلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ ذُرِّيَّةً بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ وَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ) را دلیل بر آن می داند.

به آل مصطفی پیوند جستیم به حق فرزندبر فرزند جستیم
 مطیع بعضها من بعض بودیم نه چیز دیگر از خود بر فزودیم
 بکوشیم تا خائن نگردیم غلط در ظاهر باطن نکردیم

(بایبوردی، ۱۳۷۰: ۶۶: نادیه اجمال، ۱۳۸۲: ۱۰۷)

نزاری نظر شیعه دوازده امامی، مبنی بر این که خدا شناسی واقعی را باید از حجت خدا در روی زمین آموخت، طرفداری می کند و در این باره چنین می گوید:

پس رو رای و قیاس خود مباش الحذر از بت پرستی الحذر

(مظاهر مصفا، ۱۳۷۱: ۱۲۰۷)

هم بدو بشناس او را والسلام نیست الأوجهه وجهی دگر

(نادیه اجمال، ۱۳۸۲: ۱۰۷؛ این بیت در دیوان حکیم نزاری وجود ندارد)



نزاری محبت و دوستی خداو آل رسول را برای تمام موجودات کافی می داند و بر این باور است که همین محبت برای همه هستی انسان ها کفایت می کند.

اسرار در محبت آل است و السلام
این جا به حکم آن که نبی را حبیب خواند
بد بخت را به جای محبت عداوت است
مقصود از آفرینش اکوان محبت است
(مظاهر مصفا، ۱۳۷۱: ۶۳۴: غزل ۱۲۰)

نزاری بیان می دارد که اعتقاد به آل علی پشتوانه بسیار محکمی است و کسی که به این مجموعه محکم دل می بندد از هیچ چیزی هراس ندارد.

توبه نزاری مبین نزاری را
آن که بی حجاب می گوید
دل و پشتش به حب آل قوی ست
اعتقادش به اهل بیت نبی ست
(مظاهر مصفا، ۱۳۷۱: ۸۶۰: غزل ۲۹۴)

نزاری می گوید هر که دل داده آل علی شود از خود بیخود می گردد و اگر فرد درک کند که با آل علی به این مقام عالی می رسد هر سختی را می پذیرد و بر هر دشواری گردن می نهد.

خشک مغز از همت صاحب ولایت غافل است
گنبد فیروزه گردون چو شب گردد سیاه
در شود از موج دریا تر نگرده دامنش
دود عاشقان گر بگذرد بر روزنش
(مظاهر مصفا، ۱۳۷۱: ۱۲۹۹: غزل ۶۹۷)

به باور نزاری هر تعلق خاطری غیر از دل بستگی به آل رسول (ص) عبث، بیهوده و فانی بوده و این فقط عشق به آل علی است که ماندنی و جاوید است و هر که به آن دل بندد به پیروزی رسد در غیر این صورت نیستی عاقبت اوست.

دست من و دامن آل رسول
هر چه جزین است نیرزد به پول
(مظاهر مصفا، ۱۳۷۱: ۱۴۰۵: غزل ۷۸۴)

نزاری در ادب نامه تنها راه رسیدن به صفا و رستگاری و رهایی از تاریکی و ظلام را توسل به خاندان رسول (ص) و چنگ انداختن به حبل المتین این بزرگواران می داند، چنانکه می گوید:

گرت راه باید به اهل صفا
به حبل المتین در زن ای دوست دست
طلب کن ز ذریه مصطفی
که کس جز بدین از ضلالت نرسد.
چو خواهی که یابی خلاص از ظلام
نزاری پس از حمد و شکر و سپاس
همین است تدبیر و بس، و السلام
ثنای اولوالامر واجب شناس
(رفیعی، ۱۳۹۲: ۲۰-۲۱)



نزاری به جهت اعتقاد و دلبستگی عجیبی که به آل رسول(ص) دارد نوشته های خود را ناشی از لطف بیکران خداوندی و حضور همیشگی یاد بزرگان دین در زندگی می داند چنان که در ادب نامه که ابیات زیبایی آن را با یاد نام خداوند شروع کرده در عبارات، توکل به ائمه را یادآور می شود:

به رغم عدد و به کام ولیّ
به حق محمد به حق علی
ز آغاز بردم به پایان کتاب
نکردم مطوّل سخن بی حساب

(رفیعی، ۱۳۹۲: ۱۱۷)

نزاری به هنگام تعریف از حاکم خراسان که برای مردم چونان پدری مهربان است، از خدا و ذریه پاک مصطفی می خواهد که او(حاکم خراسان) را حفظ نماید..

به جود وجود تو شد قهستان
مدینه اقالیم چون سیستان
خدایا به ارواح پاکان تو
به سوز دل در دناکان تو
به ذریه و عترت مصطفی
به خاصیت اهل صدق و صفا

(رفیعی، ۱۳۹۲: ۲۲)

نزاری ذوق و هنرش را نتیجه لطف الهی می داند و بر این باور است که اگر عنایت اهل بیت نبود موفقیتش در نگارش ابیات حاصل نمی شد، چنانکه می گوید:

به اقبال شاه جهان بان علی
بپرداختم یادگاری چنین
بماندم که چون من نمانم به جای
که دین را پناه است و حق را ولی
به یاران خود دستیاری چنین
بود رهنمونشان به هر دو سرای

(رفیعی، ۱۳۹۲: ۱۱۶)

نزاری اطاعت از فرمان الهی و رعایت ادب برای مقام اهل بیت را شرطی اساسی در گذر از صراط می داند و بر لزوم آن برای رستگاری در دنیا و آخرت تأکید دارد، چرا که می گوید:

اولوالامر را در سرای نخست
خردمند باید که فرمان برد
ز دنیا و عقبی به حق برخورد
که شد حق و باطل ازین سر درست
که تا از سرای دویم بر خورد
کسی کو ز فرمان او نگذرد

(رفیعی، ۱۳۹۲: ۱۱۶)

نزاری در توصیف روز و شب، اعتقاد به رنگ سفید- که متعلق به شیعیان یا امام جعفر صادق (ع) بود - را بیان داشته است.

قصه روز و شب تمام نبود
گر چه دانم که هر کس از رنگی
که بر آن قصه قصه ای افزود
بر سبویم ز نند خر سنگی



من جنون واله عاشق بسر و رنگ جعفر صادق
 داشتم این شعار ولیک بد شدم بر سرش نیامد نیک

(رفیعی، ۱۳۹۲: ...)

در اشعار حکیم نزاری، امامت از طریق پیامبر اکرم (ص) به امام علی (ع) و از او به فرزندانش حسن و حسین (ع) و سپس امامان دیگر از نسل امام حسین (ع) انتقال یافت و تا زمان قیامت کبری، جهان یک لحظه از وجود امام زمان (ع) خالی نخواهد ماند، او خود را بارها پیرو آل بوتراب و محب اهل بیت (ع) خوانده است:

تو به زاری مبین نزاری را دل و پشتش به حب آل قویست
 آنکه بی حجاب می گوید اعتقادش به اهل بیت نبی است
 به آل مصطفی پیوند جستیم به حق فرزند بر فرزند جستیم

(بایبوردی، ۱۳۷۰: ۶۶)

او برخلاف شیعیان اثنی عشری، شناخت خداوند را تنها از طریق پیروی و راهنمایی امام وقت امکان پذیر می داند، حال آن که شیعیان این شناخت را از طریق عقل و منطق میسر می دانند.

همان حکایت موسی و طور و انوار است جمال باطن دیدن به دیده ظاهر
 به خویش دیدن بر جهل خویش اصرار است به چشم دوست توان دید روی دوست بلی
 او بیان می دارد شناخت خداوند، تنها از طریق امام میسر است و آن افرادی که می کوشند تا با سعی خویش به این شناخت برسند تنها دست به تلاشی بی فایده می زنند چرا که دیدن جمال باطن هرگز با چشمان ظاهر امکان پذیر نیست.

اگر خواهی که بی مانع به جانان متصل گردی ز ترکیب وجود خود به کلی منفصل باشی
 توانی دید واحد را به نور دیده باطن به شرط آنکه از کحل هدایت مکتحل باشی
 نزاری انسان ها را از نظر ارتباط با امام به سه گروه تقسیم می نماید: (موحدان - پسران - ضدان)
 آنها که همیشه با خدایند بی خویش روند و با خود آیند
 آن قوم که بالغند و واصل مستغرق عین کبریایند
 و آن زمره که پس روان راهند معراج روان در قفایند
 و آن طایفه دگر که ضدند وا ماندگان به وهم و رأیند
 در کتم عدم دگر کجایند صم بکم مقلدانند

نزاری در تفاوت رهبر روحانی و امام اسماعیلی که حامل نور الهی است و پیروانش را به سوی شناخت حقیقت و رستگاری هدایت می کند، می گوید:

کنی اقتدا در امامت نکوست که نور خدا در دل پاک اوست



بدان نور یابی خالص از ظالم تتبع بدان نور کن والسلام

و بالاخره، با این همه ظرافت و پیچیدگی، نزاری و اعتقادات او را جز خودش هیچ کس را یارای شناخت کامل و جامع نیست. چه او خود گفته است:

همه هر چه در حق من گفته اند نه از من که از خویشان گفته اند
مرا کس نداند که من کیستم کدامم، کجایم، کی ام، چیستم؟!

نتیجه گیری:

امامت و ولایت از پایه های اصلی اعتقادی و زیربنای زندگی سیاسی، اجتماعی و فرهنگی انسان است و مسلمانان با مذاهب مختلف و نظرات گوناگون در ضرورت رهبری اتفاق نظر دارند. با توجه به روایات، ولایت و امامت را نمی توان حکمی جداگانه از احکام دینی دانست بلکه باید گفت دین بی ولایت دین نیست و انسان بی ولایت را نمی توان مسلمان واقعی دانست.

امام شناسی از اصول اسلام و مایه سعادت و ادامه حقائق دین است. بزرگترین اختلافی که در اسلام بین مسلمین بر سر مسائل دینی بروز کرده مسئله امامت یعنی جانشینی حضرت رسول است و آنها در هیچ مورد دیگری تا این حد اختلاف و نزاع نداشته اند، چرا که مسئله امامت بیشتر جنبه سیاسی داشته و همه فرق مذهبی، جز یکی دو مورد، آن را واجب می دانند.

در مورد شخصیت حکیم نزاری با توجه به نظرات متعددی که در مورد مذهب وی وجود دارد، بررسی اشعارش این نتیجه را می رساند که وی در ابیاتی چند گوشه ای از عقاید درونی خویش را هویدا کرده چنانکه:
- علی جانشین آل محمد، جهان علم و دانش، جود و بخشش است، - جز علی و اولاد او شایسته امامت نیستند و علی خلیفه بلا فصل پیامبر است، - تمسک و عشق به اهل بیت، وسیله گذشتن از طوفان جهل است، - ادامه دنیا بدون امام مقدور نیست، - بدون شناخت امام انسان کافر از دنیا می رود، - قبله بندگان با ایمان، پیامبر و امام است. - بخشش گناه ابتدا در سایه رحمت خداوند و سپس توسل به آل نبی میسر است. - هر تعلق خاطری فانی است الا دل بستگی به آل علی که ماندنی بوده باعث پیروزی می شود.

اما در کنار همه ابیاتش در مورد اهل بیت، بعضی جاها اشعاری دارد که نشان اسماعیلی گری است:
- مراد از اولی الامر امام وقت است، - شناخت خداوند از طریق امام وقت است ولی شیعیان امامی آنرا براساس عقل و منطق می دانند، - امام به سه صورت با مردم در ارتباط می باشد، - در جاهای زیادی از اشعارش به اصطلاحات اسماعیلی چون تأویل، ظاهر، باطن و قیامت، اشاره دارد، - به بهشت و دوزخ اعتقاد ندارد (ضد آن را نیز بیان داشته) - مانند اسماعیلیان حس تحقیق و کنجکاوی شدیدی در اشعار او مشاهده می شود.



نزاری، به دلیل شیعه بودن مورد تعصب علمای ظاهرین، مقلدین تنگ سیرت و اهل سنت قرار گرفته و چون پیرو مذهب اسماعیلی است، شیعیان امامیه نظر خوبی به وی ندارند. از این رو قدر و منزلتش مجهول مانده و آثارش چنان که باید، متداول و رایج نشده، البته به نظر نگارنده، برای درک درست نگاه نزاری به امامت باید به این نکته توجه داشت که او در دوره سلجوقیان متعصب و اوایل کار مغولان شمنی در ایران - جمعیت شیعه امامی نیز در اقلیت بودند - می زیسته و اگر هم گمان این است که برای حفظ بقای خود در دستگاه حاکم قهستان به سرودن این اشعار روی آورده، بارها تکرار، حکایت از قبول آنها دارد. البته اگر هم به عقیده برخی به خاطر تقیه و حفظ خویش این کار را کرده باشد، ذوق و هنر همچین قبول سختی ها به خاطر دل بستگی او به آل علی را نباید نادیده گرفت.

و آخرین کلام در مورد او را از سروده هایش می خوانیم که:

همه هر چه در حق من گفته اند نه از من که از خویشان گفته اند
مرا کس نداند که من کیستم کدامم، کجایم، کی ام، چیستم؟!

منابع و مؤاخذ:

- ۱- آیتی، حاج شیخ محمد حسین، (۱۳۷۱)، بهارستان، مشهد: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه فردوسی، چاپ دوم
- ۲- آیتی، مرتضی، (۱۳۴۴)، نسیم بهاری در احوال حکیم نزاری، مشهد: انتشارات نور.
- ۳- ابن طاووس، علی بن موسی، (۱۴۰۶ ق)، فلاح السائل و نجاح المسائل، قم: بوستان کتاب، چاپ اول.
- ۴- بایبوردی، دکتر چنگیز غلامعلی، (۱۳۷۰)، زندگی و آثار نزاری، ترجمه، مهناز صدری، تهران، انتشارات علمی.
- ۵- بهنیا، محمدرضا، (۱۳۷۹)، بیرجند نگین کویر، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ دوم.
- ۶- حلبی، علی اصغر، (۱۳۹۰)، تاریخ اندیشه های سیاسی در ایران و اسلام، تهران، انتشارات پیام نور.
- ۷- خواندمیر، هماد الدین محمد، (۱۳۳۴)، حبیب السیر، جلال همایی، تهران.
- ۸- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (بی تا)، المفردات فی غرایب القرآن، تهران: مکتبه المرتضویه.
- ۹- زنگویی، حسین، (۱۳۸۵)، شاعران قهستان، تهران: نشر روزگار، چاپ اول.
- ۱۰- شریف الرضی، محمد بن حسین، (۱۳۷۸ ش)، نهج البلاغه، ترجمه دکتر سید جعفر شهیدی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ چهاردهم.
- ۱۱- شریف لاهیجی، محمد بن علی، (۱۳۷۳ ش)، تفسیر شریف لاهیجی، تحقیق: میر جلال الدین حسینی ارموی (محدث)، تهران: دفتر نشر داد، ج ۴، چاپ اول.
- ۱۲- شمس الدین، نزاری قهستانی، (۱۳۸۵)، مثنوی روز و شب، تهران: نشرنی صفحات ۲۸-۲۳



- ۱۳- شیخ حرعاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعه، محقق/مصحح، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، چاپ اول.
- ۱۴- عروسی حویزی عبد علی بن جمعه، (۱۴۱۵ق)، نورالثقلین، تحقیق: سید هاشم رسولی محلاتی، قم: انتشارات اسماعیلیان، ج ۵، چاپ ۴.
- ۱۵- علم الهدی، سید مرتضی، (۱۴۱۱ش)، الذخیره فی علم الکلام، تحقیق احمد حسینی، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- ۱۶- فرهنگ لغت دهخدا
- ۱۷- فرهنگ لغت عمید
- ۱۸- فرهنگ لغت معین
- ۱۹- کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۷۵ش)، أصول الکافی، ترجمه کمره‌ای، قم: اسوه، جلد ۲، چاپ: سوم.
- ۲۰- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار، محقق/ مصحح، جمعی از محققان، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ج ۵۰، چاپ دوم.
- ۲۱- مطهری، مرتضی، (.....)، ولاءها و ولایتها، قم: انتشارات صدرا .
- ۲۲- میرخواند، محمد بن خاوند شاه، (۱۳۸۰)، تاریخ روضه الصفا فی سیره الانبیاء و الملوک والخلفاء، مصحح، جمشید کیان فر، تهران: اساطیر.
- ۲۳- ناصر خسرو، (۱۳۰۳)، وجه دین، برلین، مطبعه کویانی.
- ۲۴- نعمان ابن محمد قاضی ابوحنیفه، (۱۹۷۴)، ترجمه انگلیس بخشی از دعائم الاسلام، ویراستار علی اصغر فیضی، بمبئی.
- ۲۵- هدایت، رضا قلی خان، (۱۲۹۵)، مجمع الفصحاء، تهران، ج ۲.
- مقالات:
- ۱- بار دین، (.....)، «حکیم نزاری قهستانی» مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، ص ۱۷۸-۲۰۳.
- ۲- مجتهدزاده، علیرضا، (۱۳۴۵)، «سعدالمله والدین حکیم نزاری قهستانی»، مجله دانشکده ادبیات مشهد، شماره دوم و سوم، تابستان و پاییز ۱۳۴۵.
- سایت اینترنتی:
- ۱- رضایی بیرجندی، (۱۳۸۸). «اعتقادات حکیم نزاری»، وبلاگ اولوالالباب. یکشنبه ۲۳ فروردین.
- ۲- شغنانی، حسینی حسنیار (۱۳۹۱)، «سلسله مقالات مبانی مذهب اسماعیلی ۱۶»، ۱۵ حمل،



۳- صاحب اختیاری، بهروز، (۱۳۹۲)، «تأملی در سفرنامه حکیم نزاری قهستانی - زندگینامه، احوال و آرای نزاری»، روزنامه اطلاعات، شماره ۲۵۸۰۴، پنجشنبه ۱۷ بهمن ،

<http://www.iranboom.ir>